



رابطه فن آوری اطلاعات با مزیت رقابتی و ظرفیت مدیریت دانش

محمد صالحی *

سیده زهرا حسینی درونکلایی **

علیرضا قاسمی کمیشانی ***

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه فن آوری اطلاعات با مزیت رقابتی و ظرفیت مدیریت دانش صورت گرفت. پژوهش حاضر، از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل مدیران و متصدیان کامپیوتر اداره کل فرودگاه‌های استان مازندران به تعداد ۱۳۰ نفر در سال ۱۳۹۶ بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۹۷ نفر تعیین شد و نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده انجام پذیرفت. جهت گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه استاندارد هانگی و همکاران استفاده گردید. روایی محتوایی ابزار بررسی و تأیید شد. ضریب پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای متغیر فن آوری اطلاعات ۰/۸۳، مزیت رقابتی ۰/۸۲ و ظرفیت مدیریت دانش ۰/۸۰ به دست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنف، ضریب همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون انجام شد. نتایج نشان داد که فن آوری اطلاعات با مزیت رقابتی و ظرفیت مدیریت دانش رابطه مثبت و معناداری دارد. هم‌چنین، رابطه بین مزیت رقابتی و ظرفیت مدیریت دانش نیز تأیید گردید. تجزیه و تحلیل رگرسیونی نیز حاکی از وجود رابطه مثبت بین فن آوری اطلاعات با مزیت رقابتی و ظرفیت مدیریت دانش بود.

واژگان کلیدی

فن آوری اطلاعات، مزیت رقابتی، مدیریت دانش

* دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران drsalehi@iausari.ac.ir

** استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران s.zahra.hoseini61@gmail.com

*** کارشناس ارشد مدیریت اجرایی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران tireng2012@gmail.com

نویسنده مسؤول یا طرف مکاتبه: محمد صالحی

مقدمه

در عصر پیوند دانش و اطلاعات با دانایی و دارایی، رقابت و چالش برای ماندگاری به امری کاملاً جدی تبدیل شده است و سازمان‌های ناکام به سرعت حذف می‌گردند (Dazdari, Enayati & Zamani, 2017). هم‌چنین، با رشد و پیشرفت تکنولوژی و فن‌آوری اطلاعات و دانشی شدن اقتصاد جهانی، سازمان‌ها در محیطی قرار گرفته‌اند که ناگزیر برای بقای خود و پیروز شدن در دنیای رقابت محور، بایستی به دارایی‌های ناملموس خود، هم‌چون مدیریت دانش که از مهم‌ترین مفاهیم دنیای رقابت محور است و موجب تعالی سازمان می‌گردد؛ توجه بیشتری داشته باشند. در واقع، می‌توان گفت که دارایی‌های دانشی در سازمان به عنوان منابع اولیه مزیت رقابتی به حساب می‌آیند (Lev, 2001). فن‌آوری اطلاعات عبارت است از کاربرد رایانه‌ها و دیگر فن‌آوری‌ها برای کار با اطلاعات (Mohammadi, Mohammadi & Mohammad, 2012). فن‌آوری اطلاعات در همه سیستم‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مدیریتی جنبه کاربردی پیدا نموده است (Golestanizadeh, Shahtalebi & Etebarian, 2015) و ابزار قدرتمندی است که مدیران را برای مقابله با تغییر در دنیای امروز آماده می‌سازد (Laudon & Laudon, 2013). در نتیجه، سازمان‌ها از فن‌آوری اطلاعات برای کنترل و مدیریت سرمایه‌های دانشی استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، سازمان‌ها با به کارگیری فن‌آوری اطلاعات، امکان دستیابی به مزیت رقابتی^۱ را از راه دارایی‌های دانشی مانند استراتژی‌ها و مدیریت دانش فراهم می‌کنند (Sotodeh, 2006).

برای مدت‌ها، نقش توسعه فن‌آوری اطلاعات و مدیریت دانش^۲ در ایجاد مزیت رقابتی، یکی از نگرانی‌های پیش روی مدیران و پژوهش‌گران بوده است. در دنیای رو به تغییر امروز، ظرفیت مدیریت دانش نوظهور حاصل از فن‌آوری اطلاعات، صلاحیت اصلی برای سازمان‌ها به منظور افزایش عملکرد فردی، نوآوری، قابلیت‌های سازمانی و مزیت رقابتی است. هم‌چنین، امروزه مدیریت دانش نقش اساسی را در اقتصاد جهانی ایفا می‌کند و به عنوان یک پیش‌نیاز ضروری مزیت رقابتی در سازمان‌ها می‌باشد (Piera, Roberto & Emilio, 2017). در دهه ۱۹۹۰، ظهور مدیریت دانش به عنوان رشته علمی و تجاری در سراسر جهان شناخته شد. بر اساس رویکردها و روش‌های مدیریت دانش، سازمان‌های سراسر جهان، ابتکارات مدیریت دانش را به منظور بهبود

1. Competitive advantage
2. Knowledge management

کارایی پروسه‌های تجاری، افزایش بهره‌وری و کیفیت خدمات خود، و یافتن راه‌حل‌های جدید و محصولاتی برای مشتریان خود، توسعه و اجرا نمودند (Nguyen & Mohamed, 2011). در واقع، هدف اصلی استفاده سازمانی از مدیریت دانش، کسب آگاهی از دانش خود، به طور فردی و تجمعی است و تجسم و شکل‌دهی خود در چنین مسیری برای استفاده مؤثر و کارا از دانشی که سازمان دارد یا قادر به دست آوردن آن است (Alavi & Leidner, 2001).

ظرفیت مدیریت دانش را می‌توان به عنوان توانایی مبتنی بر فرآیند سازمان جهت بسیج و استقرار منابع مبتنی بر دانش برای به دست آوردن مزیت رقابتی تعریف نمود. مدیریت دانش، تلاش نوین قرن موسوم به عصر دانایی^۱، برای حفظ، هدایت و افزایش هدف‌مند سرمایه‌های دانشی سازمان‌هاست و به این اشاره دارد که سرمایه‌گذاری در علم، بهترین و بیشترین سود را به بار می‌آورد. آگاهی سازمان‌ها از عوامل مؤثر بر مدیریت دانش که موجب پذیرش و اجرای موفق آن می‌شود، موجب عملی شدن اهداف آنها خواهد شد. پرداختن به موضوع مدیریت دانش در تمامی سازمان‌ها به دلیل اهمیت ویژه آن که عبارت است از سازمان‌دهی دانش به منظور توانمندسازی افراد و سازمان در انجام مؤثر فعالیت‌ها، تسهیم منابع فکری و خلاقانه سازمان، ارایه شیوه‌هایی برای بهره‌وری، بهبود عملکرد و کاهش هزینه‌ها، بهینه‌سازی دانش سازمانی برای افزایش عملکرد از طریق روش‌های متفاوت امری ضروری است. هم‌چنین، بهبود کیفیت کار، افزایش کارایی، داشتن اطلاعات به روز، افزایش اثربخشی، افزایش انگیزه، ایجاد فرهنگ مشترک برای به حداکثر رساندن عملکرد نوآوری و هم‌چنین، ایجاد مزیت رقابتی از دیگر دلایل پرداختن سازمان‌ها به مدیریت دانش در عصر حاضر می‌باشد (Derakhshandeh, Mashinchi & Asgari, 2016). آنچه مسلم است، فن آوری اطلاعات پدیده رقابتی جدید و عاملی حیاتی در توسعه مزیت رقابتی پایدار محسوب می‌شود (Khoshsima, 2012).

بررسی‌ها نشان داده است که در پژوهش‌های اندکی به بررسی هم‌زمان رابطه فن آوری اطلاعات با مزیت رقابتی و ظرفیت مدیریت دانش پرداخته شده است. بنابراین، تحقیقاتی که به نوعی مرتبط با پژوهش حاضر هستند، در ادامه بررسی شدند.

دیهم، بینش و معقول (Deihim, Binesh & Maghol, 2016) در پژوهشی به بررسی تأثیر فن آوری اطلاعات بر مدیریت دانش سازمان‌ها پرداختند و نتیجه گرفتند که استفاده از فن آوری‌ها

بر سازمان‌دهی و مدیریت دانش تأثیر گذار است. یافته‌های پژوهش سپهوند، عارف‌نژاد و شریعت‌نژاد (Sepahvand, Arefnejad & Sharifinejad, 2015) نشان داد که فن‌آوری اطلاعات بر سرمایه فکری و استراتژی‌های مدیریت دانش و چابکی سازمان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

آنگاپا، ناچاپین و تانوس (Angappa, Nachiappan & Thanos, 2017) نشان دادند که فن‌آوری اطلاعات بر مزیت رقابتی تأثیر مثبت دارد. هانگی، شان لیو، جین لانگ و ژائوها (Hongyi, Shan, Jinlong & Zhaohua, 2016) در پژوهشی به بررسی رابطه فن‌آوری اطلاعات، ظرفیت مدیریت دانش و مزیت رقابتی با نقش تعدیل کننده تعهد منابع پرداختند و علاوه بر تأیید رابطه مثبت بین متغیرها، به این نتیجه رسیدند که تعهد منابع اثر تعدیل کننده مثبت بر رابطه بین فن‌آوری اطلاعات و ظرفیت مدیریت دانش دارد.

کاسیرین، پاناجیوتیز و دامینوس (Catherine, Panagiotis & Damianos, 2014) در پژوهشی به بررسی تأثیر فن‌آوری اطلاعات بر توسعه مزیت رقابتی در زنجیره تأمین در ۷۶ شرکت تولیدی پرداختند. نتایج حاکی از تأثیر مثبت فن‌آوری اطلاعات بر مزیت رقابتی بوده است. چن (Chen, 2012)، به بررسی تأثیر هم‌افزایی منابع فن‌آوری اطلاعات بر کسب مزیت رقابتی و عملکرد سازمانی پرداخت و نتیجه گرفت که سرمایه‌گذاری در فن‌آوری‌هایی چون سیستم‌های اطلاعات، بر قابلیت‌ها و عملکرد سازمانی و مزیت رقابتی شرکت تأثیر گذار هستند. او از دیدگاه منبع محور به این موضوع پرداخته و بیان کرده است که این قابلیت‌ها نقش مهمی در به‌کارگیری استراتژی‌های کسب و کار دارند که در نیازهای مشتریان منعکس می‌شود. پارک، فوجی موتو و هانگ (Park, Fujimoto & Hong, 2012)، در پژوهشی نشان دادند که ادغام شبکه‌های اطلاعاتی با استفاده از کسب مزیت رقابتی بین شرکت‌ها، باعث می‌شود، تا مزیت‌های رقابتی در بازار جهانی برای آن شرکت‌ها ایجاد شود.

هانگ، یانگ، لین، مک لین و کو (Hung, Yang, Lien, McLean & Kuo, 2010)، در پژوهشی تحت عنوان «رابطه مدیریت دانش با ارتقای قابلیت و عملکرد سازمان» نتیجه گرفتند که مدیریت دانش به واسطه یادگیری با ارتقای قابلیت و عملکرد سازمان رابطه دارد. لو، جیانگ و دیگانگ (Lu, Jing & Degang, 2008)، در پژوهشی تحت عنوان «راهبردهای مبتنی بر کاربرد فن‌آوری بر افزایش قابلیت‌ها و مزیت رقابتی در شرکت‌های چینی»، نتیجه گرفتند که کاربرد

راهبردهای مبتنی بر فن آوری به افزایش قابلیت شرکت‌ها جهت اجرای سیستم اطلاعات مؤسسه منجر شده و راهبردهایی را برای طرح‌ریزی فرآیندهای مدیریتی فراهم می‌آورند. هم‌چنین، نرخ موفقیت اجرای سیستم اطلاعات مؤسسه را افزایش داده و در نهایت، وضعیت رقابت را بهبود می‌بخشند.

با مروری بر ادبیات موضوع و در یک جمع‌بندی از پژوهش‌های انجام شده می‌توان گفت، به واسطه کمبود پژوهش‌هایی که هم‌زمان رابطه فن آوری اطلاعات با مزیت رقابتی و ظرفیت مدیریت دانش را مورد بررسی قرار داده باشند؛ پژوهش حاضر سعی کرده است، متغیرها را به صورت تلفیقی بررسی کند. از طرفی، اداره کل فرودگاه‌های استان مازندران یکی از شرکت‌های فعال در عرصه فرودگاه‌های کشور و ارایه دهنده خدمات مسافربری و هوایی است که در انجام رسالت خود از سیستم فن آوری اطلاعات و فرآیند مدیریت دانش در حد قابل اعتمادی بهره‌گیری می‌نماید، به طوری که تقریباً دارای نشان برتر در این زمینه است. مراتب فوق، لزوم پرداختن به عنوان پژوهشی با این مضمون را دوچندان می‌کند. زیرا که بر اساس نتایج این تحقیق می‌توان راه کارهای مفید و عملی در راستای بهبود مستمر سازمان فوق و دستیابی به یک سیستم متعالی ارایه کرد. هم‌چنین، یافته‌های پژوهش می‌تواند مدیران را در حل مشکلات یاری کرده و منجر به تبیین سیاست‌های درست و اجرای بهتر اهداف سازمان گردد. لذا، این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا فن آوری اطلاعات با مزیت رقابتی و ظرفیت مدیریت دانش رابطه دارد؟ در این راستا، سؤال اصلی و سؤال‌های ویژه پژوهش عبارتند از:

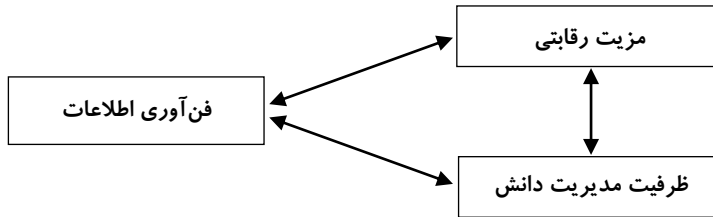
سؤال اصلی پژوهش: آیا فن آوری اطلاعات با مزیت رقابتی و ظرفیت مدیریت دانش رابطه دارد؟

سؤال ویژه اول: آیا فن آوری اطلاعات با مزیت رقابتی رابطه دارد؟

سؤال ویژه دوم: آیا فن آوری اطلاعات با ظرفیت مدیریت دانش رابطه دارد؟

سؤال ویژه سوم: آیا مزیت رقابتی با ظرفیت مدیریت دانش رابطه دارد؟

بر این اساس، مدل مفهومی پژوهش مطابق با شکل ۱ می‌باشد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش کلیه کارکنان اداره کل فرودگاه‌های استان مازندران در سال ۱۳۹۶ و به تعداد ۱۳۰ نفر بودند. با استفاده از فرمول کوکران، نمونه‌ای با حجم ۹۷ نفر بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شد. در نمونه آماری مورد بررسی، ۹۱ درصد از پاسخ‌دهندگان مرد و ۹ درصد زن می‌باشند. هم‌چنین، ۴۲ درصد پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات فوق‌دیپلم، ۵۱ درصد دارای تحصیلات لیسانس و ۶ درصد دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و تنها ۱ درصد دارای تحصیلات دکتری بودند.

برای بررسی متغیرهای پژوهش از پرسش‌نامه استاندارد هانگی و همکاران (Hongyi et al., 2016) استفاده شده است. این پرسش‌نامه شامل ۲۴ گویه بود که در سه بخش به سنجش سه متغیر فن‌آوری اطلاعات، مزیت رقابتی و ظرفیت مدیریت دانش می‌پردازد. به طوری که فن‌آوری اطلاعات را با گویه‌های ۱ الی ۱۳، مزیت رقابتی را با گویه‌های ۱۴ الی ۱۷ و ظرفیت مدیریت دانش را با گویه‌های ۱۸ الی ۲۴ با طیف لیکرت مورد سنجش قرار می‌دهد. در این پژوهش، روایی پرسش‌نامه با استفاده از روایی محتوایی و نظر استادان و خبرگان مربوطه بررسی و تأیید شد. پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ برای سؤالات مربوط به متغیرهای فن‌آوری اطلاعات ۰/۸۳، مزیت رقابتی ۰/۸۲ و ظرفیت مدیریت دانش ۰/۸۰ محاسبه گردید که حاکی از پایایی ابزار مورد استفاده می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS21 و روش آمار توصیفی و آمار استنباطی شامل آزمون کولموگروف-اسمیرنف، همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده گردید.

یافته‌ها

آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها، مطابق جدول ۱، می‌باشد.

جدول ۱. نتایج آزمون کولموگروف- اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها

متغیر	تعداد	آماره آزمون	سطح معنی داری
فن آوری اطلاعات	۹۷	۱/۱۴۶	۰/۱۴۵
مزیت رقابتی	۹۷	۰/۹۱۵	۰/۳۷
ظرفیت مدیریت دانش	۹۷	۱/۲۶۵	۰/۰۸۱

مطابق جدول ۱، در سطح اطمینان ۹۵٪ و خطای اندازه گیری $\alpha=0/05$ ، سطح معناداری برای همه متغیرها $\text{sig} > 0/05$ محاسبه شده است. لذا، داده‌ها از توزیع نرمال پیروی می‌کنند و جهت تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها، استفاده از آزمون‌های آماری پارامتریک مجاز است.

سؤال اصلی پژوهش: آیا فن آوری اطلاعات با مزیت رقابتی و ظرفیت مدیریت دانش رابطه دارد؟ برای بررسی سؤال مورد نظر، از آزمون رگرسیون استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۲ و ۳ ارائه شده است.

جدول ۲. ضریب همبستگی بین فن آوری اطلاعات با مزیت رقابتی و ظرفیت مدیریت دانش

R	مجذور R	ضریب همبستگی تعدیل شده	برآورد خطای استاندارد
۰/۵۲۴	۰/۲۷۴	۰/۳۵۹	۰/۴۳۲۷۲

جدول ۳. آنالیز واریانس ضریب همبستگی بین فن آوری اطلاعات با مزیت رقابتی و ظرفیت مدیریت دانش

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۵/۴۳۲	۱	۴/۸۱۲		
باقی مانده	۱/۳۰۱	۹۵	۷۲۶/۳۵۶۵	۷/۵۴۲	۰/۰۰۰
جمع	۶/۷۳۳	۹۶			

مطابق جدول ۲ و ۳، سطح معناداری کوچک‌تر از $0/05$ ($\text{sig} = 0/000$)، محاسبه شده که حاکی از اعتبار مدل رگرسیون مورد نظر است. مطابق یافته‌ها، چون در سطح اطمینان 95% و خطای اندازه‌گیری $a = 0/05$ سطح معناداری برای همه متغیرها (فن‌آوری اطلاعات، مزیت رقابتی و ظرفیت مدیریت دانش) $\text{sig} < 0/05$ محاسبه شده است؛ بنابراین، با 95% درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که فن‌آوری اطلاعات با مزیت رقابتی و ظرفیت مدیریت دانش رابطه معناداری دارد. برای بررسی سؤال‌های ویژه پژوهش، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده که در ادامه جدول ۴، ارایه شده است.

جدول ۴. بررسی رابطه فن‌آوری اطلاعات، مزیت رقابتی و ظرفیت مدیریت دانش

متغیرها	تعداد	ضریب همبستگی	میانگین	سطح معنی‌داری
فن‌آوری اطلاعات / مزیت رقابتی	۹۷	۰/۵۶۲	۴/۱۲	۰/۰۰۰
فن‌آوری اطلاعات / ظرفیت مدیریت دانش	۹۷	۰/۶۷۰	۴/۳۲	۰/۰۰۰
مزیت رقابتی / ظرفیت مدیریت دانش	۹۷	۰/۶۰۷	۴/۲۱	۰/۰۰۰

مطابق جدول ۴، مقدار ضریب همبستگی بین فن‌آوری اطلاعات با مزیت رقابتی معادل $0/562$ محاسبه شده است و مقدار احتمال به دست آمده کمتر از سطح معنی‌داری $0/05$ می‌باشد. لذا، فن‌آوری اطلاعات با مزیت رقابتی در اداره کل فرودگاه‌های استان مازندران رابطه مثبت و معناداری دارد.

هم‌چنین، مطابق جدول ۴، مقدار ضریب همبستگی فن‌آوری اطلاعات با ظرفیت مدیریت دانش معادل $0/670$ محاسبه شده است و مقدار احتمال به دست آمده کمتر از سطح معنی‌داری $0/05$ می‌باشد. لذا، فن‌آوری اطلاعات با ظرفیت مدیریت دانش در اداره فرودگاه‌های استان مازندران رابطه مثبت و معناداری دارد.

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که مقدار ضریب همبستگی بین مزیت رقابتی و ظرفیت مدیریت دانش معادل $0/607$ و مقدار احتمال به دست آمده کمتر از سطح معنی‌داری $0/05$ می‌باشد. لذا، مزیت رقابتی و ظرفیت مدیریت دانش در اداره فرودگاه‌های استان مازندران رابطه مثبت و معناداری دارد.

بحث و نتیجه گیری

توسعه اعجاب انگیز فن آوری اطلاعات و گرایش عمومی دانش به سمت چندرشته‌ای شدن، باعث گردید که دانش و یادگیری جمعی به عنوان تنها مزیت رقابتی پایدار مورد توجه روزافزون قرار گیرد. بنابراین، سازمان‌هایی در جهان متحول و پیچیده قرن حاضر موفق خواهند بود که بتوانند فرآیند یادگیری و کسب دانش را با استفاده از ساز و کارهای حاصل از فن آوری اطلاعات مانند گروه‌های مجازی، سازمان‌های شبکه‌ای به سمت دانش جمعی و گروهی سوق دهند و بستر و فضایی را خلق نمایند که کارکنان دانش ضمنی خود را که حاصل تجربه و اندوخته‌های شخصی است، به اشتراک گذارند. در غیر این صورت، دانش فردی نمی‌تواند پاسخ‌گویی نیاز توسعه علوم جدید که حاصل چندرشته‌ای شدن و منشاء مزیت رقابتی است، باشد.

در این پژوهش، رابطه متغیرهای فن آوری اطلاعات، مزیت رقابتی و ظرفیت مدیریت دانش در اداره کل فرودگاه‌های استان مازندران مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد، فن آوری اطلاعات با مزیت رقابتی در اداره کل فرودگاه‌های استان مازندران رابطه دارد. این یافته با نتایج تحقیق آنگاپا و همکاران (Angappa et al., 2017)، چن (Chen, 2012) و پارک و همکاران (Park et al., 2012) هم‌سو می‌باشد. سرمایه‌گذاری در فن آوری‌هایی چون سیستم‌های اطلاعات، بر عملکرد شرکت و قابلیت‌های سازمان در به کارگیری استراتژی‌های کسب و کار و ایجاد مزیت رقابتی شرکت در بازار جهانی تأثیرگذار هستند. در نهایت، استفاده از این گونه سیستم‌ها در کسب و کارهای کوچک و متوسط، دسترسی به بازارهای بین‌المللی را برای شرکت‌ها تسهیل می‌نماید.

دیگر نتایج تحقیق نشان داد که فن آوری اطلاعات با ظرفیت مدیریت دانش در اداره کل فرودگاه‌های استان مازندران رابطه دارد. این نتیجه در راستای نتیجه تحقیق دیهیم و همکاران (Deihim et al., 2016) می‌باشد که نشان دادند، فن آوری اطلاعات بر مدیریت دانش در سازمان‌ها تأثیر گذارند. هم‌چنین، با نتایج تحقیق سپهوند و همکاران (Sepahvand et al., 2015) که در پژوهشی به بررسی تأثیر فن آوری اطلاعات بر سرمایه فکری و استراتژی‌های مدیریت دانش با اثر تعدیلی چابکی سازمان پرداختند و نشان دادند فن آوری اطلاعات بر استراتژی‌های مدیریت دانش تأثیر گذار است، هم‌سو می‌باشد.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از وجود رابطه مثبت و معناداری بین مزیت رقابتی با ظرفیت مدیریت دانش می‌باشد. این نتیجه به نوعی در راستای نتایج تحقیق هانگ و

همکاران (Hung et al., 2010) می‌باشد که نشان دادند مدیریت دانش می‌تواند منتج به افزایش عملکرد سازمان گردد.

نتایج رگرسیون در فرضیه اصلی نیز نشان داد که فن‌آوری اطلاعات با مزیت رقابتی و ظرفیت مدیریت دانش ارتباط معناداری دارد. این یافته با نتایج تحقیق هانگی و همکاران (Hongyi et al., 2016) هم‌سو می‌باشد. با توجه به نتایج فوق و رابطه مثبت فن‌آوری اطلاعات با مزیت رقابتی و ظرفیت مدیریت دانش می‌توان گفت توانمندی تکنولوژیک به تنهایی تأثیر چندانی بر عملکرد سازمان‌ها و شرکت‌ها ندارد. بلکه این نوع توانمندی از طریق استقرار نظام مدیریت دانش موجب رقابت‌پذیری سازمان‌ها و شرکت‌ها می‌گردد.

با توجه به نتایج این پژوهش، به اداره کل فرودگاه‌های استان مازندران پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد.

- به توسعه زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری پردازند و نیروی انسانی جهت ایجاد فضای رقابتی و محیط اقتصادی بزرگ‌تر به منظور تولید دانش، ایجاد سیستم‌های مناسب مدیریت اسناد و مدارک جهت ذخیره و طبقه‌بندی اطلاعات و دانش ثبت شده تربیت گردد.
- ایجاد زیرساخت ارتباطی مناسب و امن به منظور برقراری ارتباط میان کارکنان از طریق فن‌آوری اطلاعات و ارائه آموزش به کارکنان، جهت نحوه استفاده از تجهیزات فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات جهت جست‌وجوی اطلاعات و دانش جدید، اکتساب دانش داخلی، شناسایی و کسب دانش بازار و رقبا را سرلوحه کار قرار گیرد.
- با عنایت به این‌که، مشاوره سازمانی جهت بهبود رفتار سازمانی کارکنانی که ارتباط مستقیم با مشتریان دارند، جهت پاسخ‌گویی به موقع به انتظارات و شکایت مشتریان متمرکز می‌باشد، پیشنهاد می‌گردد جلسات مشاوره‌ای در این زمینه برای کارکنان در نظر گرفته شود.
- هم‌چنین از جمله فعالیت‌هایی که پیشنهاد می‌گردد عبارتند از: کاربرد تکنیک‌های جلسات حل‌مسأله گروهی، جلسات نقد پروژه‌ها، مصاحبه تخصصی به صورت دوره‌ای و ثبت نتایج در بایگانی سازمان، تشویق کارکنان و مدیران به نگارش خاطرات و تجربیات خویش در پروژه‌های مختلف، تشکیل تیم‌های کاری برای کار روی پروژه‌های اجرایی و مطالعاتی و ثبت نتایج مربوط به جلسات این تیم‌ها.

References

- Alavi, M., & Leidner, D. (2001). Review: KM and KM systems: Conceptual foundations and research issues. *MIS Quarterly*, 25(1), 36-107.
- Angappa, G., Nachiappan, S., & Thanos, P. (2017). Information technology for competitive advantage within logistics and supply chains: A review. *Transportation Research Part E: Logistics and Transportation Review*, 99, 14-33.
- Catherine, M., Panagiotis, T., & Damianos P. S. (2014). The impact of information technology on the development of supply chain competitive advantage. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 147, 586-591.
- Chen, J. L. (2012). The synergistic effects of IT-enabled resources on organizational capabilities and firm performance. *Information & Management*, 49(3, 4), 142-150.
- Dazdari, M., Enayati, T., & Zameni, F. (2017). Identifying the dimensions of information technology that influences the creation of an appropriate university image. *Information and Communication Technology in Educational Sciences*, 7(3), 27-43. (in Persian).
- Deihim, J., Binesh, M., & Maghol A. (2016). The effect of information technology on knowledge management of organizations. *New Research in Humanities*, 2(2), 21-36. (in Persian).
- Derakhshandeh, R., Mashinchi, A. A., & Asgari, A. (2016). The effect of knowledge management on the motivation of employees of charity and endowment organization in Hormozgan Province. *Management and Accounting Studies*, 2(2), 101-108. (in Persian).
- Golestanizadeh, M., Shahtalebi, B., & Etebarian, A. (2015). The relationship between acceptance of information technology and employees' creativity in Isfahan Steel Mill Company. *Information and Communication Technology in Educational Sciences*, 5(4), 51-70. (in Persian).
- Hongyi, M., Shan, L., Jinlong, Zh., & Zhaohua, D. (2016). Information technology resource, knowledge management capability, and competitive advantage: The moderating role of resource commitment. *International Journal of Information Management*, 36(6), 1062-1074
- Hung, R. Y. Y., Yang, B., Lien, B. Y. H., McLean, G. N., & Kuo, Y. M. (2010). Dynamic capability: Impact of process alignment and organizational learning culture on performance. *World Business*, 45(3), 285-294.
- Khoshsima, Gh. (2012). The influence of infrastructure information infrastructure influence on competitive advantage and organizational performance. *Commercial Strategies*, 9(1), 79-100. (in Persian).
- Laudon, K., & Laudon, J. (2013). *Management information systems* (Translated by Mostafavi, S. A., and Hosseini, S. M.) (4th Edition). Tehran: Esatis Fadak. (in Persian).
- Lev, B. (2001). *Intangibles: Management, measurement and reporting*. Washington: The Brookings Institution, 21.

- Lu, L., Jing, I., & Degang, C. (2008). How Chinese companies enhance competitive advantage through enterprise information system implementation. *Tsinghua Science and Technology*, 13(3), 355-361.
- Mohammadi, D., Mohammadi, Y., & Mohammad, A. M. (2012). *Comprehensive approach to manage information systems* (1th Edition). Tehran: Barayand Pooyesh. (in Persian).
- Nguyen, H. N., & Mohamed, S. (2011). Leadership behaviors, organizational culture and knowledge management practices: An empirical investigation. *Management Development*, 30(2), 206-221.
- Park, Y., Fujimoto, T., & Hong, P. (2012). Product architecture, organizational capabilities and IT integration for competitive advantage. *International Journal of Information Management*, 32(5), 479-488.
- Piera, C., Roberto, C., & Emilio, E. (2017). Knowledge management in startups: Systematic literature review and future research agenda. *Sustainability*, 9(361), 1-19.
- Sepahvand, R., Arefnejad, M., & Sharifinejad, A. (2015). Influence of information technology on intellectual capital and knowledge management strategies with the effect of moderating organizational agility. *Human Resources Management*, 5(3), 71-96. (in Persian).
- Sotodeh, M. (2006). *Provide a framework for knowledge management*. Master's Thesis. University of Science and Industry: Faculty of Industry. (in Persian).